

بسمه تعالی

**محتوای رشته**  
**حفظ ترجمه منظوم (شعر)**  
**قرآن کریم**

**براساس قرآن منظوم امید مجد**

**ویژه مقطع متوسطه اول**

**سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳**

**کارشناسی گسترش فرهنگ قرآن ، عترت و نماز**

**مدیریت آموزش و پرورش ناحیه دو شیراز**

«سوره کوثر»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
به تو کوثری پاک ای مصطفی  
برای خدایت بکن ذبح با  
خودش نسل مقطوع و ابتر بماند

سرآغاز گفتار نام خداست  
همانا که اینک بدادیم ما  
تو هم پس به شکرانه می خوان نماز  
همانا همان کس که عیبت بخواند

«سوره مسد»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
که شد قطع بر امر پروردگار  
فزونى اموال روز حساب  
فستد داخل آتشی شعله ور  
ز گردن ورا لیف خرما دراست

سرآغاز گفتار نام خداست  
دو دست ابی لهب آن مرد خار  
نشاید کند دفع از وی عذاب  
به زودی بیفتد به نار سقر  
زنش نیز هیزم کشی مضطر است

«سوره نصر»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
عیان گشت رایات فتح وظفر  
بیایند در دین یکتا اله  
تو آمرزشی خواه از کردگار  
ببخشاید از بندگانش خطا

سرآغاز گفتار نام خداست  
چو با یاری کردگار بشر  
بینی همه دسته دسته ز راه  
ستایش کن آنگاه پروردگار  
که توبه پذیر است یکتا خدا

«سوره کافرون»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
به کفار و بر مشرکان خدا  
که آن را پرستید در روزگار  
نه من می پرستم بتان شما  
که باشد مرا رب و پروردگار  
که توحید من نیز از آن خویش

سرآغاز گفتار نام خداست  
بگو ای رسول خدا مصطفی  
نخواهم پرستم خدایان خار  
نه هرگز پرستید رب مرا  
نه هرگز پرستید آن کردگار  
شما پس همان شرک گیرید پیش

«سوره ماعون»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
که انکار می‌کرد روز جزا  
که می‌راند از درگاه خود یتیم  
که بر مرد مسکین ببخشد طعام  
ولی هست غافل ذکر و نیاز  
به دنبال تزویر و نیرنگ بود  
نکویی نکرده است در هیچ حال

سر آغاز گفتار نام خداست  
ندیدی تو آن شخص ای مصطفی  
همان شخص بی‌رحم و خارو لعین  
نکرده است ترغیب کس را تمام  
پس ای وای بر آنکه خواند نماز  
همان کس که چون طاعتی هم نمود  
کند بازداری از انفاق مال

«سوره قریش»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
که قوم قریش الفت آرد به کار  
به هنگام صیف و زمان شتا  
که چون جوع آمد به دادی غذا  
بفرمودشان ایمن از بیم و شرّ

سر آغاز گفتار نام خداست  
چنان کرد با ابرهه کردگار  
چنان الفتی تا بماند به جا  
پرستید پس رب این خانه را  
به هنگام ترس و به وقت خطر

«سوره فیل»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
چه آورد بر روز اصحاب فیل؟  
که کعبه ز کینه نکردد خراب؟  
بدان سنگ سجیل آزرده‌شان  
که حیوان علف زیر دندان نمود

سر آغاز گفتار نام خداست  
ندیدی تو آیا که رب جلیل  
نه تدبیر ایشان بدادی بر آب  
ابابیل مرغان فرستادشان  
بدنهایشان خرد، آنسان نمود

«سوره عصر»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
زیانها رساند به خود هر دمی  
که پیوسته نیکنند و پرهیزکار  
به حق و شکیبائی و اهتمام

سر آغاز گفتار نام خداست  
قسم باد بر عصر، کاین آدمی  
بجز مؤمنان به پروردگار  
سفارش نمایند هم را مدام

«سوره عادیات»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
نفس هایشان بر شماره فتاد  
ببفروختند آخگری وقت جنگ  
به غارت گرفتندشان در سحر  
به دور سپاه عدو ریختند  
به پروردگارش بُود ناسپاسی  
چو حاضر شود نزد یکتا اله  
بخیل است همواره در بذل آن  
برانگیخته می شود از قبور

سر آغاز گفتار نام خداست  
بدان اسب هایی که روز جهاد  
ز سُم خود از تاختن روی سنگ  
شبیخون به دشمن زدند و شرر  
ستوران غباری برانگیختند  
به آنها قسم گآدمی بی اساس  
بدین ناسپاسی دهد خود گواه  
بود سخت مشتاق مال جهان  
نداند که روزی رود چون به گور

«سوره قدر»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
کتابی شب قدر بر مصطفی  
که اندر شب قدر باشد تمام  
مقامش فراتر ز ماهی هزار  
به پیغمبر و بر امامان به شب  
که تقدیر خلق است در آن نهان  
که این شب، شب رحمت است و درود

سر آغاز گفتار نام خداست  
همانا که نازل نمودیم ما  
چه آگاه سازد تو را ز آن مقام  
شب قدر در بیش پروردگار  
ملائک و جبریل بر امر رب  
نمایند از هر اموری بیان  
بُود تا سحر ذکر حق و سُجود

«سوره همزه»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
بر آن عیب جویان هرزه زبان  
بدان گشته سرگرم، در طی سال  
بر او عمر جاوید خواهد نهاد  
به دوزخ بیفتد به روز شمار  
تصور چه سان می توانی هنوز؟  
که در قلب کفار شد شعله ور  
احاطه نمودست از هر کنار  
که همچون ستونبست از هر کنار

سر آغاز گفتار نام خداست  
بسی وای بادا به هر دو جهان  
همانکه فراهم نمودست مال  
گمان می نماید که مال زیاد  
چنین نیست، حقا به سوزنده نار  
پس آن سختی آتشی پر فروز  
ببفروخته کردگار آن شرر  
بر آنها محیط است سوزنده نار  
بگردند در آتشی پایدار

«سوره تکوین»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
شما را نمودست غافل ز یاد  
عذابی بخواهد رسد دردناک  
سرانجامتان چیست مُزد و سزا  
ز فردای عقبی نه غافل شدید  
برانید سوی جهنم نگاه  
نباشید دیگر به عقبی ظنین  
از آن ثروت و نعمت و مالتان

سر آغاز گفتار نام خداست  
تفاخر به فرزند و مال زیاد  
بزودی بدانید بعد از هلاک  
بزودی بدانید روز جزا  
بدین امر اگر نیک آکه بُدید  
همانا که چون مرگ آید ز راه  
ببینید آن را به چشم یقین  
در آنروز پرسند از حالتان

«سوره انشراح»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
ز زنگارها جمله پالوده‌ایم؟  
تو گویی که بشکست پشتت از آن  
به رغم سخن‌های خام عَدُو  
پس از محنت و رنج، آرامشی است  
کنون در مناجات و طاعات، کوش  
مبندیش از مردم نابکار

سر آغاز گفتار نام خداست  
نه آیا تو را سینه بگشوده‌ایم  
بگردیم دور از تو باری گران  
نمودیم نامت بلند و نکو  
همانا پس از سختی آسایشی است  
چو فارغ شدی ای خداوند هوش  
تو می‌باش مشتاق پروردگار

«سوره زلزال»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
بُرون افکند رازهای بزرگ  
زمین را چه آمد بلایی به سر؟  
که این است دستور پروردگار  
ببینند اعمال نیک و فجور  
بگردست پاداش آن بیند او  
جزایش در آن روز ببند بشر

سر آغاز گفتار نام خداست  
چو لرزد زمین با تکانی سترگ  
در آن روز محشر بگوید بشر  
زمین خلق را سازد آکه ز کار  
پراکنده خیزند مردم ز گور  
اگر قدر یک ذره کار نکو  
وگر قدر یک ذره کردست شر

«سوره ضحی»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
به آرامش شب چو آید بجا  
تو را هیچ که نیز دشمن نداشت  
برایت نکوتر ز دارالفنا  
به زودی نماید که گردی رضا  
یتیمی و آنگاه دادت پناه؟  
هدایت نمودت به راهی سزا  
توانگر نمودت به پیغمبریش  
فقیران به خواری مران ای کریم  
به مردم که این هست شگری تمام

سر آغاز گفتار نام خداست  
قسم خورد بر روز روشن خدا  
کجا کردگارت تو را وا گذاشت؟  
بُود نعمت نیک دارالبقا  
تو را کردگار آنچنانست عطا  
نه آیا تو را یافت یکتا اله  
چو سرگشته‌ات دید یکتا خدا  
تو را دید سائل به درگاه خویش  
تو هم پس میازار هرگز یتیم  
بگو نعمت کردگارت مُدام

«سوره قارعه»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
که از وحشت افتند در اضطراب  
که سختی آن چون بود در وجود؟  
پراکنده گردند هر سو ز بخت  
از آن هیبت و اقتدار و جلال  
وَرَا کَفَه سنگین بُود در طبق  
پس او هست در عیشِ دلخواسته  
به هاویّه افتد به قعر سقر  
چگونه توانی تصور نمود  
که هر چیز از تابش افتد به سوز

سر آغاز گفتار نام خداست  
همی قارعه چیست روز عذاب  
چگونه توانی تصور نمود  
ملخ وار مردم در آن روز سخت  
چو پشم زده، ریز گردد جبال  
در آن روز هر کس به میزان حق  
بهشت است بهر وی آراسته  
سبک گشت اعمال هر کس دگر  
ولی سختی هاویه و آنچه بود  
بُود سوزناک آتشی بر فُروز

«سوره تین»

که رحمتگر و مهربان خلق راست  
به سینای موسی قسم نیز هم  
که بر بهترین وجه اندر جهان  
به سُفلی ترین جای راندیم پس  
که صالح بگشتند و پرهیزکار  
که از مَنّت و مزد باشد برون  
که دین را تو نکذیب سازی دگر؟  
که کس هیچ، از جنگ عدلش نَرست؟

سر آغاز گفتار نام خداست  
به دو کوه انجیر و زیتون قسم  
قسم بر چنین شهر امن و امان  
نمودیم خلق آدمی و سپس  
بجز مؤمنان به پروردگار  
به آنها بدادیم أجری فزون  
چه شد باعث این سخن ای بشر  
نه آیا خدا برترین داوَرست